

افق همکاری‌های اقتصادی ایران و افغانستان

طاهره پورغلامی^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره ۴، پیاپی ۹۲، زمستان ۱۴۰۱؛ صفحات ۱۵۸ - ۱۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

چکیده

ایران و افغانستان دارای بیشترین پیوندها و اشتراکات فرهنگی، زبانی، تاریخی، تمدنی و جغرافیایی هستند؛ به همین علت جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است در عرصه اقتصادی افغانستان مشارکت فعالی داشته باشد؛ اما تحریم‌های اقتصادی آمریکا و وابستگی دولت کابل به این کشور مانع از گسترش روابط اقتصادی دو کشور هم‌زبان و همسایه، به‌رغم ظرفیت‌های فراوان شده است. البته از سال ۱۳۹۶ تا اوایل ۱۴۰۰، ایران یکی از شرکای اقتصادی بزرگ افغانستان بود. در سال ۱۳۹۷ ایران حدود ۲۲ درصد از سهم بازار افغانستان را به خود اختصاص داد که در سال ۱۳۹۹ این میزان به بیش از ۴۰ درصد رسید. با قدرت‌یابی مجدد طالبان در افغانستان، فرصت جدیدی به‌وجود آمد که است تا ایران در بازار و اقتصاد افغانستان سهم بیشتری به‌دست آورد؛ به‌ویژه که کشورهای غربی افغانستان را تحریم کرده‌اند؛ از این رو افزایش میزان تبادلات تجاری و اقتصادی با طالبان، فرصتی برای ایران به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی

افغانستان، طالبان، افق، ایران، اقتصاد

گسترش و تعمیق مناسبات دووچندجانبه در همه ابعاد وجودی با کشورهای همسایه به علاوه روسیه، هند و چین، یکی از «اولویت‌های راهبردی» و در حقیقت «بایدهای» مهمی است که در اسناد بالادستی توجه و تأکید زیادی بر آن شده است. کشورهای همسایه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ویژه دارند. پانزده کشور همسایه همراه با روسیه، هند و چین، با توجه به امکانات و ظرفیت‌هایی که در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره از آن برخوردارند، می‌توانند «تکیه‌های محکم و مطمئن» برای کشور در زمینه رونق اقتصادی، بهبود ترازهای تجاری، توسعه بازرگانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین عبور از سیاست‌های تحریمی آمریکا و اروپا باشند.

اصولاً موضوع همسایگان و اولویت‌بخشی به آنها بنا به دلایلی از جمله قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی و دینی مشترک؛ اشتراکات فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و تجاری؛ داشتن تهدیدهای مشترک اقتصادی، نظامی و امنیتی از طرف قدرت‌های بیگانه؛ دسترسی آسان و کم‌هزینه، ضرورت «تعمیق روابط خارجی» با کشورهای همسایه را پیش از پیش کرده است. این مهم به خصوص در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های شدید خارجی مواجه است، حائز اهمیت راهبردی است.

همسایگی با پانزده کشور، موقعیت منحصر به فردی برای جمهوری اسلامی فراهم کرده است تا با گسترش تعاملات اقتصادی با این کشورها، ضمن تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، تجاری و بازرگانی، از آسیب‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها که هیچ چشم‌انداز مثبتی برای رفع و برداشتن آنها وجود ندارد، مصون بماند. در حقیقت توسعه

تجارت خارجی با همسایگان که در مجموع بیش از ۱۵۰۰ میلیارد دلار حجم تجارت خارجی دارند، حتی در بدترین شرایط تحریم نیز می‌تواند دست کم ۳۰۰ میلیارد دلار عایدی برای کشور داشته باشد. از این رو توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری با کشورهای منطقه و جهان برای کاهش آسیب‌های اقتصادی کشور، اهمیتی راهبردی دارد. افغانستان از جمله کشورهای مهم همسایه است که می‌تواند یکی از بازارهای مهم اقتصادی ایران در منطقه باشد.

با توجه به نیاز روزافزون افغانستان به نفت و کالاهای ضروری و ضرورت تأمین منابع پایدار معدنی در آینده نزدیک، لزوم گسترش مبادلات تجاری از طریق خط آهن خواف به هرات پیش از هر زمان احساس می‌شود. نیاز روزافزون دولت جدید افغانستان به تأمین منابع اقتصادی و نیز لزوم کم‌اثر کردن تحریم‌ها برای ایران می‌تواند فصل مشترک جدیدی از روابط اقتصادی و تجاری را رقم بزند. اجرای طرح سوآپ با حضور کشورهای آسیای مرکزی، آذربایجان و عراق و حتی اروپا در صورت حل مناقشه تحریمی ایران ابزار مهمی برای اتصال اقتصاد افغانستان به بازار جهانی و ایفای نقش فعال اقتصادی ایران در منطقه خواهد بود. در این میان عربستان و پاکستان تنه‌ارقبای جدی ایران در موضوع سرمایه‌گذاری در افغانستان نیستند. اجاره معدن بزرگ مس افغانستان توسط چین و طرح‌های بلندپروازانه این کشور برای توسعه نفوذ اقتصادی خود در حوزه‌های مختلف انرژی، صنعتی، الکترونیک و حتی مالی و ابراز تمایل این کشور برای همکاری گسترده با دولت طالبان و سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری ژاپن در معادن افغانستان و نفوذ خودروسازان ژاپنی در این کشور می‌تواند زنگ خطر جدی برای از دست رفتن موقعیت اقتصادی ایران در افغانستان باشد.

با توجه به ضعف منابع انسانی و مدیریت علمی و اقتصادی که



چالش جدی دولت جدید افغانستان است، حضور شرکت‌های ایرانی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی افغانستان به خصوص در حوزه احداث کارخانه‌های صنعتی نظیر فولاد، ذوب آهن، مس و... به کمک دیپلماسی اقتصادی کارآمدی تواند معامله‌ای برد-برد برای دو کشور باشد. آنچه بدیهی است ایران نباید بازار بکر و غنی افغانستان را به رقبای سرسخت خود واگذار کند، چون می‌تواند یک محرک قوی و جدی برای اقتصاد کشور باشد.

نویسندگان در این پژوهش با استفاده از نظریه‌های آینده‌پژوهی و داده‌های متقن و واقع‌بینانه، تلاش کرده‌اند افق اقتصادی ایران و افغانستان را مورد کنکاش و بررسی قرار دهند. این تحقیق از جنبه ماهیت، اکتشافی و از نظر هدف، کاربردی است.

بررسی وضعیت سیاسی افغانستان پس از روی کار آمدن دوباره طالبان

قبل از پرداختن به روابط اقتصادی ایران و افغانستان در حکومت دوم طالبان، بهتر است به چند نکته مهم درباره وضعیت سیاسی افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان اشاره شود:

۱. افغانستان در طول نیم قرن گذشته، به دلایل متعدد از جمله وضعیت ژئوپلیتیکی (محصور در خشکی بودن)، بحران‌های سیاسی، مداخلات خارجی و مسائل امنیتی، همواره به کمک‌های اقتصادی وابسته بوده است. پس از فروپاشی نظام برآمد از اجلاس «بن» و روی کار آمدن مجدد طالبان، اوضاع اقتصادی افغانستان به دلایل مسدود کردن دارایی‌های افغانستان توسط آمریکا (۱۰/۵ میلیارد دلار)، تحریم اقتصادی، قطع کمک‌های خارجی، تعطیلی برخی کارخانه‌ها به دلایل امنیتی و مواردی از این قبیل بحرانی شد. در

واقع بحران سیاسی، موجب بروز بحران اقتصادی، به ویژه در مسئله «اشتغال»، «معیشت» و «امنیت غذایی» شد.

۲. افغانستان با وجود داشتن بیش از ۱ تا ۳ تریلیون دلار ذخایر مواد معدنی همچنان جزء ۱۰ کشور فقیر جهان محسوب می شود. میزان بیکاری بر اساس داده های مرکز آمار افغانستان، از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت. با خروج نیروهای خارجی و بازگشت دوباره طالبان به قدرت، میزان بیکاری به ویژه در ماه های اول به شدت افزایش یافت. بیش از ۴۵۰۰ سازمان غیر دولتی (ان جی او) یکباره با خروج نیروهای خارجی تعطیل شدند و برخی مراکز فعال هم با منع اشتغال زنان، به همین وضعیت دچار شدند. آمار دقیقی از شاغلان و بیکاران در حکومت طالبان منتشر نشده است، اما میزان بیکاران در سطحی بسیار بالاست. از این رو خیل کثیری از جوانان بیکار افغانستان به سمت کشورهای همسایه به ویژه ایران کوچ کرده اند. با اینکه طالبان تلاش کرده است وضعیت اشتغال را ساماندهی کند، اما این مسئله جوابگوی همه بیکاران نبوده است.

۳. این تصور که حضور ۲۰ ساله کشورهای غربی و آمریکا، اوضاع اقتصادی افغانستان را متحول کرده است، غلط از آب درآمد. آمریکایی ها و متحدان غربی کارنامه قابل دفاعی در حوزه بازسازی اقتصادی افغانستان نداشتند. نمی توانید کارخانه ای در افغانستان پیدا کنید که پایه گذار آن آمریکا یا متحدانش باشند یا اقدام خاصی برای ایجاد اشتغال یا تولید محصولی کرده باشند. به همین علت پس از خروج آمریکایی ها در اوایل شهریور ۱۴۰۰، چندین هزار نفر اعم از کارکنان سازمان های به اصطلاح مردمی و چندین هزار مترجم افغانستانی بیکار شدند و عملاً در بدترین وضعیت معیشتی و اشتغال قرار گرفتند. بنابراین اقتصاد افغانستان همواره تحت تأثیر مسئله جنگ و تحولات سیاسی بوده



است. در طول ۲۰ سال حضور آمریکایی‌ها، نه تنها تأسیسات و کارخانه‌هایی که موجب اشتغال و تولید محصولات صنعتی شوند، ایجاد نشدند، بلکه بر اثر تقابل و جنگ آمریکا با طالبان، بخشی از تأسیسات زیربنایی از جمله پایه‌های انتقال برق از بین رفتند یا آسیب دیدند.

۴. با توجه به کاهش کمک‌های خارجی و پایین بودن حجم تولیدات و درآمدهای ملی افغانستان، قدرت خرید مردم و انجام پروژه‌ها روند کاهشی داشته و عملاً اقتصاد افغانستان را شکنندگی کرده است. این مسئله در تبادلات تجاری و اقتصادی ایران با افغانستان تأثیر گذاشته است؛ به گونه‌ای که صادرات ایران به افغانستان در پنج ماهه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۴۰۰، ۲۶ درصد کاهش یافته و به ۶۴۱ میلیون دلار رسید است.

۵. پس از استقرار طالبان، موافقت‌نامه هفت‌بندی همکاری‌های تجاری میان اتاق‌های ایران و افغانستان مدنظر دو طرف قرار گرفت. بر اساس این توافق، موضوعات زیر مطرح شد:
نخست، تشکیل اتاق مشترک افغانستان-ایران و معرفی اعضای پیشنهادی این اتاق از سوی اتاق افغانستان؛

دوم، تأسیس کمیته سرمایه‌گذاری و خدمات فنی و مهندسی؛
سوم، پیگیری امضای موافقت‌نامه تعرفه‌های ترجیحی میان ایران و افغانستان از طریق وزارتخانه‌های مربوط دو طرف؛
چهارم، تسهیل صدور روادید برای فعالان اقتصادی عضو اتاق‌های دو کشور به صورت کثیرالمسافره و با معرفی نامه‌های اتاق‌های دو طرف؛

۱. هر چند همه این موارد تاکنون اجرایی نشده است، اما به نوعی نقشه راهی برای گسترش روابط اقتصادی ایران با حکومت فعلی طالبان است. ناگفته نماند در بیشتر مواقع، این توافقات در حد توافق و تفاهم باقی می‌ماند و به قرارداد اجرایی ختم نمی‌شود یا به دلایل متعدد نظیر عدم پایداری طرفین به توافقات یا وجود برخی موانع، قراردادی منعقد و عملیاتی نمی‌شود.

پنجم، افزایش همکاری‌های مرزی از طریق امضای موافقت‌نامه‌های همکاری میان اتاق‌های مرزی ایران در بیرجند، زاهدان و مشهد با اتاق‌های متناظر آنها در هرات، نیمروز و فراه؛ ششم، تأسیس کمیته همکاری‌های معدنی؛ هفتم، تأسیس کمیته مشترک همکاری در بخش انرژی شامل نفت، گاز، پتروشیمی و برق.^۱

۶. حجم صادرات کالا و خدمات از ایران به مقصد افغانستان ۴۰ درصد در مقایسه با میزان مشابه در سال ۱۳۹۹ به حدود ۳ میلیارد دلار رسید بود. صادرات ایران در سال مالی ۱۳۹۹ به حدود ۳ میلیارد دلار رسید بود. این رقم حدود ۴۰ درصد حجم بازار صادرات به افغانستان را تشکیل می‌داد. اما پس از تسلط طالبان بر کابل، ارتباط تجاری از طریق مرزهای جمهوری اسلامی ایران با افغانستان عملاً به مدت ۳ ماه قطع شد. قطع کمک‌های خارجی و کاهش درآمدهای اقتصادی حکومت طالبان، عملاً بر میزان مناسبات تجاری میان دو کشور تأثیرات عمیقی گذاشت و موجب کاهش حدود ۳۰ درصدی صادرات ایران به افغانستان شد.^۲

۱. به گفته غلامحسین شافعی، رئیس اتاق ایران، بخش خصوصی ایران در عمل زمینه‌های صنعتی، معدنی و تجاری از نفت و گاز گرفته تا داروسازی و تجهیزات پزشکی، محصولات کشاورزی، مواد غذایی و نوشیدنی، مواد شوینده و بهداشتی، مصالح ساختمانی و همچنین در بخش‌های خدمات فنی و مهندسی و گردشگری آماده همکاری است. افغانستان نیز در خصوص صادرات برخی خشکبار، محصولات زراعی و کشاورزی و همچنین اقلام معدنی مانند سنگ مرمر، زغال سنگ، سنگ آهن و سایر منابع معدنی در بازارهای ایران ظرفیت‌های صادراتی قابل قبولی دارد که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است.

۲. بخش زیادی از رابطه تجاری ایران با افغانستان بدون نظام پرداخت یارانه غیر مستقیم دولت‌های ایران به شرکت‌ها و صنایع بوده است. کالای ایرانی که با یارانه شهروند ایرانی تولید می‌شد، به افغانستان می‌رفت و به دلیل بهره‌مندی از این موهبت «دولت‌داری» اجازه رقابت با سایر صادرکنندگان را نمی‌یافت؛ زیرا محصولات مبتنی بر دانه‌های روغنی، گندم، صنایع لبنی و دارویی، همگی به راحتی به افغانستان صادر می‌شدند و به فروش می‌رسیدند؛ اما اکنون با اصلاح نظام پرداخت یارانه در کشور عملاً این مزیت اقتصادی از بسیاری از محصولات ایرانی حذف شده است و اخباری که از بازار افغانستان به گوش می‌رسد خبر از کاهش تقاضا برای کالای ایرانی به دلیل گران بودن آن می‌دهد. موضوعات مطرح شده در بالا حتی میزان توان چانه‌زنی دستگاه دیپلماسی برای بازگشت ایران به جایگاه گذشته در زمینه صادرات به افغانستان را کاهش داده است. در نتیجه به نظری رسد اکنون جمهوری



۷. هر چند بازگشت طالبان به قدرت در کابل و آشفتگی سیاسی-امنیتی حاصل از آن در افغانستان که موجب سقوط ارزش پول ملی و بی‌ثباتی اقتصادی شد، به‌عنوان عامل اصلی کاهش حجم مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان بیان شده است، اما واقعیت این است که افغانستان به دلیل تداوم بحران سیاسی، امنیتی و اقتصادی در چند دهه گذشته و ضعف‌های زیرساختی، عمدتاً واردکننده کالا و خدمات بوده است. مقامات طالبان برای تضمین بهره‌مندی جمعیت فقیر خود از این کالا و خدمات، معمولاً عوارض گمرکی بسیاری پابینی برای صادرکنندگان به این کشور لحاظ می‌کنند؛ به‌ویژه که بخش قابل توجهی از پول دریافت کالا و خدمات از سرمایه‌گذاری کشورهای صادرکننده در افغانستان و صادرات مواد خام افغانستان توسط آنان تأمین می‌شود (باقری، ۱۴۰۱: ۹).

اهمیت اقتصادی افغانستان برای ایران

استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه یکی از مسائل بااهمیت در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم است. در میان این کشورها، افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی، بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران و نیز داشتن وضعیت اقتصادی خاص، از اهمیت و جایگاهی ویژه در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی برخوردار است. افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۳۸ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیتی ویژه به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی بین همسایگان ایران دارد. مطابق آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. میزان تجارت ایران و افغانستان سالانه حدود

اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای دیگر از مزیت همسایگی با افغانستان بهره‌برد. اشاره من در اینجا به حوزه ترانزیت کالا و خدمات است.

۲/۵ میلیارد دلار است. صادرات سالانه بیش از ۲۳۷ مگاوات برق یکی از محصول صادراتی مهم ایران به این کشور محسوب می‌شود (عرب‌پور، ۱۴۰۰)؛ اما عواملی نیز وجود دارد که باعث اهمیت افغانستان در روابط اقتصادی ایران می‌شود. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود:

۱. افغانستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی است. این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم‌مرز است که مردم این مناطق قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند. این مسئله می‌تواند از نظر صادرات اهمیت زیادی داشته باشد. همچنین روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند.

۲. افغانستان دارای دو مین ذخایر بزرگ مس و بزرگ‌ترین ذخایر لیتیوم در جهان است. ذخایر فراوان سنگ آهن در کنار منابع قابل توجهی از طلا، زغال سنگ، اورانیوم، بوکسیت، روی و... افغانستان را به بهشت معدنی آسیا تبدیل کرده است. مؤسسه زمین‌شناسی آمریکا ارزش دلاری ذخایر معدنی این کشور را نزدیک به یک تریلیون دلار می‌داند، در حالی که کارشناسان افغانستان و برخی دیگر این رقم را تا حدود ۳ تریلیون دلار برآورد می‌کنند.

۳. محور بودن افغانستان در خشکی باعث شده است که با محدودیت‌های زیادی به ویژه در زمینه تأمین مواد غذایی و تجارت مواجه باشد. ایران یکی از نزدیک‌ترین راه‌های دسترسی افغانستان به دریاست. از آنجا که افغانستان ۹۰ درصد نیازهای خود را از کشورهای همسایه تأمین می‌کند، می‌تواند کشور مقصد در صادرات ایران باشد.

۴. وضعیت سیاسی حاکم در افغانستان باروی کارآمدن یک دولت شکننده در آن که هنوز بیشتر کشورهای جهان آن را به رسمیت نشناخته‌اند، شرایط اقتصادی افغانستان را تا حد زیادی متزلزل و ناپایمان کرده است، با این حال با اتخاذ سیاست‌های صحیح، به ویژه در حوزه تجارت



خارجی و تعاملات اقتصادی، قطعاً می‌توان افق اقتصادی روشنی را در تجارت با این کشور ترسیم کرد.

در بیش از یک دهه اخیر وجود برخی اختلاف نظرهای سیاسی - امنیتی بین دو کشور، اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی و روی کار آمدن دولت طالبان از عوامل مهم و مؤثر در کم‌وکیف مناسبات اقتصادی بین ایران و افغانستان بوده است.

جایگاه افغانستان در تبادلات اقتصادی ایران

افغانستان به دلیل واقع شدن میان سه منطقه جنوب آسیا، غرب آسیا و آسیای مرکزی، از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی برخوردار است. جمعیت نزدیک به ۴۰ میلیونی افغانستان، نزدیکی جغرافیایی افغانستان به آسیای مرکزی و چین، اشتراکات و پیوندهای فرهنگی، دینی، زبانی و تمدنی، علاقه‌مندی مردم افغانستان به مصرف کالاهای ایرانی، حضور نزدیک به ۵ تا ۶ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران، در کنار مورد تحریم قرار گرفتن ایران توسط آمریکا و اروپا موجب شده است تا بازار افغانستان جذابیت ویژه‌ای برای ایران داشته باشد.

در وضعیت جدید که حکومت دوم طالبان قدرت را در کابل به دست گرفته است، به دلایل متعدد زمینه توسعه تبادلات اقتصادی فراهم است؛ به ویژه که افغانستان در یک وضعیت تحریم قرار گرفته و مقامات طالبان برای عبور از شرایط بد اقتصادی نیازمند رفع برخی مشکلات اقتصادی و نیازمندی‌های خود از طریق همسایگان هستند (خبرگزاری تسنیم ۱۴۰۱/۱۱/۲۵).

مهم‌ترین محورهای همکاری اقتصادی ایران و افغانستان عبارت‌اند از:

۱. توسعه همکاری‌های ریلی و جاده‌ای: توسعه همکاری‌های ریلی و جاده‌ای برای دسترسی ایران به آسیای مرکزی از طریق گمرک دوغارون. اسلام

قلعه و دسترسی افغانستان به بندر چابهار از طریق گمرک میلک و سایر گمرک‌های مرزی؛ افتتاح بخش‌های راه آهن «زاهدان-خاش» که ۱۹۰ کیلومتر است. با حضور محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور، و حسین مدرس خیابانی، استاندار سیستان و بلوچستان، انجام شد، در همین راستا قابل تحلیل است. با توجه به ظرفیت مرز، بنادر و منطقه آزاد تجاری، احداث راه آهن چابهار-زاهدان یکی از کلان‌پروژه‌ها برای توسعه روابط اقتصادی ایران با افغانستان است. از دید طالبان، «بندر چابهار فرصتی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان است. قطعاً برنامه خاصی برای ایجاد محدودیت میان بازرگانان دو کشور از طرف امارت اسلامی وجود ندارد. هدف ما این است که از طریق این بندر بتوانیم مزایای اقتصادی برای کشور کسب کنیم. با توجه به شرایط خاص و محولاتی که در افغانستان ایجاد شد، ممکن است در مدت زمان کوتاهی شاهد کاهش همکاری‌ها باشیم، اما به زودی در عرصه بندر چابهار گام‌های جدی بر خواهیم داشت» (همان).

بهره بردن از مزیت همسایگی با افغانستان به ویژه در حوزه ترانزیت کالا و خدمات، باید مورد توجه جمهوری اسلامی ایران باشد. خروج آمریکا از افغانستان به نوعی حاکی از تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه آسیای مرکزی و غرب آسیاست. با توجه به روندهای فعلی، کاهش درآمدهای افغانستان و افزایش قیمت کالاهای ضروری در ایران، به نظری رسد می‌توانیم به جای رقابت در حوزه‌هایی که به طور طبیعی

۱. این پروژه در سال مالی ۹۳-۹۲ در ۸ قطعه راه اندازی شد که فعلاً ۶۲ درصد بشرفت داشته است و قطعات هفت و هشت به طول ۱۵۰ کیلومتر در ۱۹۰ کیلومتر در ۱۴۰۱ افتتاح شد. با بهره‌برداری از راه آهن خاش-زاهدان امکان اتصال شهرستان خاش به شبکه ریلی سراسری فراهم شد. با افتتاح این طرح بزرگ توسعه راه‌های ارتباطی، ترانزیت کالا، رفت و آمد مسافران و کاهش ترافیک جاده‌ای میسر خواهد شد. پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم و نگاه توسعه‌ای به جنوب شرق کشور، عملیات اجرایی خط ریلی چابهار-زاهدان-میلک-سرخس با وجود تحریم‌های اقتصادی شتاب گرفت. طرح ریلی چابهار-زاهدان یکی از طرح‌های مهم دولت سیزدهم است که می‌تواند بندر اقیانوسی چابهار را به شبکه سراسری کشور متصل کند.



قابلیت رقابت در آنها را نداریم (منظور کیفیت محصولات ایرانی به نسبت قیمت آنها در شرایط فعلی)، در حوزه ترانزیت در منطقه، به ویژه پروژه چابهار و وصل آن به آسیای مرکزی و افغانستان از راه ریلی و جاده‌ای نگاه راهبردی داشته باشیم.

۲. سرمایه‌گذاری در معادن افغانستان: با توجه به وجود معادن بی‌شمار در افغانستان، ایران می‌تواند در برخی از این معادن سرمایه‌گذاری مشترک کند یا در استخراج این معادن به افغانستان کمک کند. تاکنون سه کشور چین، هند و پاکستان به طور رسمی تلاش کرده‌اند در حوزه معادن افغانستان سرمایه‌گذاری کنند. در مدت حضور آمریکا و اروپا، بخشی از منابع زیرزمینی و معدنی افغانستان به طور غیر رسمی استخراج و ترانزیت می‌شد. با به قدرت رسیدن طالبان، سرمایه‌گذاری روی معادن به ویژه سنگ آهن، زغال سنگ، معادن مس، سنگ‌های قیمتی و... مورد توجه مقامات کابل قرار گرفته و این فرصت برای ایران فراهم است که برای گسترش روابط اقتصادی به حوزه معدن نیز توجه کافی کند. البته نورالدین عزیززی، وزیر صنعت و تجارت دولت موقت طالبان، مدعی است راینزنی‌هایی برای صادرات زغال سنگ به ایران صورت گرفته است و در آینده نزدیک قرارداد صادرات زغال سنگ به ایران امضا خواهد شد. افغانستان در تلاش است با گسترش میزان صادرات، ترانزنامه (بیلان) تجاری خود را با ایران افزایش دهد. حکومت طالبان برای استخراج ۸ معدن در برخی استان‌های افغانستان قراردادهایی را با برخی از کشورهای از جمله چین، ترکیه، امارات، قطر و ایران امضا می‌کند.

۳. بازارچه‌های مرزی: برخلاف خواسته ایران، مقامات فعلی افغانستان چندان راغب نیستند که بازارچه‌های مرزی فعال باشند. تا قبل از سقوط دولت اشرف غنی، بازارچه‌های مرزی نقش بسزایی در افزایش صادرات به افغانستان داشتند. یکی از دلایل مهم آن، قدرت خرید مردم و نیز قدرت خرید شرکت‌های خصوصی و دولتی افغانستان بود.

دلیل دیگر ارزان بودن کالاهای ایرانی در مقایسه با سایر کشورها حتی پاکستان بود. دلیل سوم اینکه عمده مبلغ خرید کالا و خدمات از ایران را کشورهای کم‌کمکننده به افغانستان تأمین می‌کردند. اما در دولت فعلی، شرایط تغییر کرده است و به همین علت بازارچه‌های مرزی رونق قبلی را ندارند. عبداللطیف نظری، معاون اقتصادی وزارت اقتصاد افغانستان، مدعی است: «در ارتباط با بازارچه‌های مرزی، در حال حاضر در کابینه امارت اسلامی تصویب شده است که بازارچه‌ها بسته بمانند؛ اما هدف این است که یک استراتژی دقیق و هوشمندانه طراحی شود که منافع هر دو کشور افغانستان و ایران در نظر گرفته شود. به منظور ارزیابی مجدد و نیازسنجی و این مسئله که منافع دو کشور با دقت و عالمانه مورد بررسی قرار گیرد، این بازارچه‌ها فعلاً بسته خواهند ماند. اما در آینده و در یک زمان مشخص و مناسب باز خواهند شد و مجدداً به عنوان مرکز همکاری‌های دوجانبه تجاری میان دو کشور عمل خواهند کرد. قطعاً این بازارچه‌ها زمینه‌ساز مرادفات بیشتر میان ایران و افغانستان خواهند بود.» (خبرگزاری بازار، ۲۴ شهریور ۱۴۰۱).

۴. سوخت و انرژی: از مزیت‌های دیگر ایران برای گسترش روابط اقتصادی با افغانستان موضوع سوخت و صدور نفت و گاز به افغانستان است. در سال‌های گذشته، صادرات اصلی ایران به افغانستان بنزین و گازوئیل بوده است. طبق گزارش پلتفرم تحقیقات نفت و گاز و مشاوره ایرانی پتروویو، ایران در فاصله اردیبهشت ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۰، حدود ۴۰۰ هزار تن سوخت به همسایه خود صادر کرد. طبق آمارهای وزارت دارایی، اتاق‌های بازرگانی و سایر شرکت‌های خصوصی افغانستان دادند، در فاصله اسفند ۱۳۹۸ تا اسفند ۱۳۹۹، ارزش واردات از ایران ۳۶۷ میلیون دلار بوده که عمده آن سوخت بوده است. اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان مهر ۱۴۰۱ اعلام کرد که ارزش تجارت این کشور با ایران از نزدیک به ۲ میلیارد دلار به ۱/۲ میلیارد دلار



کاهش یافته است. اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری افغانستان دلیل افت ۴۰ درصدی تجارت دو جانبه با ایران را کاهش تقاضا در بازار ایران کرده است. البته وزارت مالیه طالبان ابتدای مرداد گذشته از عقد قرارداد خرید ۳۵۰ هزار تن نفت از ایران خبر داد. اما بر اساس آمارهای اتحادیه واردکنندگان مواد نفتی و گاز مایع افغانستان، این کشور سالانه به حدود ۲/۷ میلیون تن نفت خام نیاز دارد که پیش از سلطه طالبان بر این کشور نزدیک به ۲۰ درصد آن (۵۴۰ هزار تن) از ایران و مابقی از ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و روسیه وارد می‌شد. کاهش تجارت ایران و افغانستان در شرایطی است که اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی ایران بلافاصله پس از تصرف افغانستان از سوی طالبان و به درخواست این گروه به منظور جلوگیری از وقوع بحران سوخت در کشور، صادرات بنزین و گازوئیل را به سرعت از سر گرفت. اما حدود ۳ ماه پیش، طالبان اعلام کرد که از وارد شدن ۵۰۰ هزار لیتر بنزین بی کیفیت ایرانی به کشور جلوگیری کرده است. برخی تحلیلگران انتشار این خبر را نشانه اولیه حضور بنزین ارزان روسیه و دامپینگ این کشور در بازار افغانستان دانستند.

گفتنی است بودجه حکومت سرپرست طالبان برای سال ۱۴۰۱، ۲۳۱ میلیارد افغانی (حدود ۶/۲ میلیارد دلار) اعلام شده بود که از این میزان ۸۸ درصد آن برای تأمین مالی فعالیت‌های روزانه دولت در نظر گرفته شد و بودجه، ۲۰۳ میلیارد افغانی، به بودجه عادی تعلق یافت که ۳۵ درصد نسبت به بودجه سال ۱۴۰۰ کاهش داشت و حدود ۲۸ میلیارد افغانی بودجه توسعه‌ای بود که نسبت به سال‌های قبل کاهش ۸۳ درصدی را نشان می‌داد. در سند بودجه حکومت طالبان قید شده بود که با توجه به قطع کمک‌های جهانی و مسدود شدن ذخایر ارزی کشور، بودجه کافی برای انجام کارهای توسعه‌ای، عمرانی و زیرساختی وجود ندارد و فشار مالی بر دولت و ملت نسبت به سال قبل بسیار بیشتر شده است

(<https://is.gd/QpMpYI>).

۵. صادرات کالا و خدمات: صدور کالا و خدمات به افغانستان همچنان در برنامه ایران است و برخی کالاها مورد توجه مصرف‌کنندگان افغانستانی است. ایران تلاش کرده است کالاهای صادراتی را متنوع و بازارچه‌های مرزی را تقویت کند و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان در صنایع کوچک و متوسط در افغانستان را افزایش دهد. همچنین تلاش کرد توافق ایران، هند و افغانستان برای بهره‌برداری از بندر چابهار برای صادرات کالا به افغانستان را سرعت بخشد. با این حال، پس از خروج آمریکا از افغانستان، صادرات ایران به این کشور سرنزولی داشته است. بخشی از دلیل کاهش صادرات ایران به افغانستان به نحوه نگارش برخی مقامات طالبان هم مربوط می‌شود که کمتر تمایلی به گسترش روابط اقتصادی با ایران دارند. گفتنی است صادرات ایران به افغانستان طی ۱۱ ماه پس از قدرت گرفتن طالبان در افغانستان به ۹۵۹۷۸۳ تن به ارزش ۱ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار رسید که نسبت به سال ۱۳۹۹ از نظر وزن و ارزش به ترتیب ۵۲ و ۳۱ درصد کاهش داشته است. واردات از افغانستان در همین مدت به ۲۱۱۲۲ تن به ارزش ۲۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار رسید که از نظر وزن و ارزش به ترتیب ۱۷۷ درصد و ۲۹۴ درصد رشد داشته است (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱۲/۱).

«آخندزاده عبدالسلام جواد»، سخنگوی وزارت صنعت و تجارت دولت موقت طالبان، اعلام کرد که علت افزایش درآمد کالاهای صادراتی این است که این وزارتخانه تسهیلات بیشتری برای بازرگانان فراهم کرده است. «فراآورده‌ها، سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و کالاهای تولیدی، میوه خشک، میوه تازه، پنبه، زغال سنگ و سبزیجات از جمله اقلام صادراتی افغانستان بوده است» (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱۰/۲۲).

از سوی دیگر، با افزایش پروازهای خارجی و آسان شدن روندهای اداری سندهای گمرکی بازرگانان، صادرات کالاها در حال افزایش است. بیشترین صادرات افغانستان به کشورهای عربی، آسیای



مرکزی، چین، پاکستان، ایران، هندوستان و ترکیه است.

پیشران‌ها و پسران‌های روابط اقتصادی ایران و افغانستان

از موضوعات مهم در ترسیم افق و آینده اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان، پیشران‌ها و پسران‌های موجود در این زمینه است. قبل از پرداختن به این مفاهیم، لازم است مروری بر محیط‌شناسی اقتصادی افغانستان داشته باشیم.

۱. کشاورزی و دامداری: اقتصاد افغانستان بر پایه کشاورزی و دامداری است. حدود ۸۰ درصد خاک افغانستان کوهستانی، بیابانی و نیمه بیابانی و تنها ۱۵ درصد مستعد کشاورزی است که فقط نزدیک نیمی از آن زیر کشت می‌رود. با این حال، چهار پنجم جمعیت افغانستان از راه کشاورزی و دامپروری زندگی خود را می‌گذرانند. دو سوم زمین‌های موجود به طور فصلی کشت می‌شوند. در قسمت اعظم افغانستان به رغم مرغوب بودن خاک، آب کافی وجود ندارد. به عبارت دیگر، از ۸ میلیون هکتار زمین زراعی موجود در افغانستان، تنها ۲/۹ میلیون هکتار زیر کشت می‌رود و بیش از ۵ میلیون هکتار زمین بلا استفاده باقی مانده است. مجموع اراضی زیر کشت افغانستان نزدیک ۳ میلیون هکتار است که ۱/۵ میلیون هکتار آن اراضی آبی و بقیه اراضی دیم است (نجفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). گندم، برنج، جو، حبوبات، پنبه دانه، دانه آفتاب گردان، کجند، چغندر قند، میوه، سبزیجات و نیشکر از محصولات مهم کشاورزی افغانستان هستند.

در کنار کشاورزی، دامداری نیز رونق دارد. با توجه به جمعیت کوچ‌نشین و گرایش مردم، دامپروری از مشاغل اصلی در افغانستان است و بخش عمده اقلام صادراتی راهم دام، طیور و فراورده‌های دامی تشکیل می‌دهد. تعداد دام پرورش یافته در سال ۲۰۰۰ بیش از ۲۸۰ هزار رأس و طیور ۷ میلیون قطعه بوده است. عمده‌ترین فراورده‌های دامی



هم گوشت قرمز و سفید، شیر، پنیر، روغن، کره، تخم مرغ، عسل، پشم و پوست گوسفند به ویژه قره قل هست (باقری، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

۲. معادن: افغانستان به لحاظ منابع معدنی، کشوری بسیار غنی است. بیشتر این منابع معدنی بکرو دست نخورده مانده است. با توجه به چهار دهه جنگ و بی ثباتی در افغانستان، استخراج مواد معدنی به حالت تعلیق در آمده یا به صورت غیر صنعتی استخراج می شود. به طور مسلم افغانستان با برخورداری از ۱ تا ۳ تریلیون دلار منابع معدنی، می تواند با صادرات این مواد منابع درآمد ارزی خود را تأمین کند. مهم ترین ذخایر معدنی شناخته شده در افغانستان لیتیموم، زغال سنگ، امس^۲، آهن،^۳ اورانیوم، نمک، کرم، نیکل، طلا، سولفوز، باریت، روی، قلع، فلورور، میکا، سنگ لاجورد، آلومینیم، سرب، یاقوت، پنبه لسوز، جیوه، بوکسیت، تگستن، منگنز، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهن هستند (نجفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴).

۳. عمده ترین صنایع افغانستان: صنایع افغانستان شامل کارخانجات روغن نباتی، تهیه کشمش، آرد، کود شیمیایی، شکر، آجر پزی، مقواسازی،

۱. ذخایر اثبات شده زغال سنگ در افغانستان بیش از ۵۰۰ میلیون تن و ذخیره نهایی آن ۵۰۰ میلیون تن بیش بینی شده است. از مهم ترین معادن زغال سنگ می توان به معادن آشنیه، آرکر و دودکش اشاره کرد. قسمت اعظم زغال سنگ تولید شده برای سوخت مناطق صنعتی مورد استفاده قرار می گیرد.

۲. ذخایر مس افغانستان غنی است، اما به صورت اقتصادی به کار نیفتاده است. توده های معادن مس بین کجکی و مقر قرار دارد. یکی از بزرگ ترین معادن مس، معدن عینک است که ذخیره آن بین ۴ تا ۵ میلیون تن برآورده شده است. براساس آخرین آمار، میزان استخراج مس در سال ۲۰۰۰، حدود ۵۰۰۰ تن است.

۳. پس از گاز طبیعی، مهم ترین ذخیره معدنی افغانستان آهن است. ذخایر آهن بسیار عظیم است ولی برآورد دقیقی از آن وجود ندارد. یکی از مهم ترین منابع شناخته شده آهن، معدن حاجی کک است که کارشناسان ذخیره آن را بیش از ۲/۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند و ۶۲ درصد آن را خالص می دانند؛ ولی براساس برآورد سال های ۱۹۶۷ فرانسوی ها و به دنبال آن شوروی ها، ذخیره معدن حاجی کک در بیشتر مناطق دارای ۷۵ درصد آن است. از معادن دیگر افغانستان می توان به خاکریز قندهار با ۸ میلیون تن ذخیره آهن، بغمان با ۸۳ میلیون تن ذخیره آن و جبل سراج با ۷/۸ میلیون تن آهن اشاره کرد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶).



کره و فراآورده‌های گوشتی، کفش دوزی، شیشه‌سازی، پلاستیک‌سازی، صابون‌پزی، منسوجات پشمی، پنبه‌ای و ابریشمی، صنایع دستی شامل قالی‌بافی، گلیم‌بافی، نخ‌تابی، پوستین‌دوزی، چرم‌سازی، ظروف گلی، سنگ تراشی و سوزن‌کاری است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵).

۵. اقتصاد انرژی در افغانستان: تولید و مصرف انرژی در افغانستان بسیار محدود است. منابع عمده انرژی عبارت‌اند از: نفت، گاز، برق و چوب. رایج‌ترین ماده انرژی زاهچنان انواع چوب است که مصارف مختلف دارد.

- نفت: ذخایر نفت افغانستان ۱۰۰ میلیون بشکه تخمین زده شد، ولی تحقیقات بعدی مقدار آن را به مراتب بیش از این اعلام کرده است (حدود ۸۰۰ میلیون بشکه). کشورهای همسایه برای استخراج نفت افغانستان زمینه‌هایی فراهم آورده بودند، ولی صدور نفت به مرحله اجرا در نیامد. طرح یک پالایشگاه نفت با ظرفیت بیش از پنجاه هزار بشکه در روز در شمال افغانستان هم اجرا شد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

- گاز: یکی از مواد معدنی مهم قابل استخراج در افغانستان گاز طبیعی است که مهم‌ترین ذخیره انرژی این کشور نیز محسوب می‌شود. بخش اعظم معادن گاز طبیعی شناخته شده در سرحدات شمالی افغانستان در مزار شریف، اطراف شرغان و سرپل قرار دارد. اخیراً هم در مناطق شمالی استان هرات منابع گازی کشف شده است. ذخایر گاز طبیعی افغانستان بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده است. بعضی منابع میزان ذخایر آن را تا حدود ۵۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد کرده‌اند (نحیفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۴).

- برق: حدود ۶۵ درصد برق افغانستان از طریق انرژی هیدرولیک به دست می‌آید و تنها قسمتی از آن در کارخانه‌های برق تولید می‌شود. منبع تولید برق در افغانستان با توجه به محدودیت تولید





عبارت انداز:

۱. سد کجکی در استان هلمند (نزدیک قندهار) هم اکنون ۳۳ مگاوات برق تولید می‌کند.

۲. سد ماهی پرکه در حال حاضر ۶۶ مگاوات برق تولید می‌کند.

۳. سد داهالا در استان قندهار در سال ۲۰۰۱، ۱۱/۵ مگاوات تولید برق داشته است.

۴. نیروگاه مزار شریف نزدیک مزار شریف از نوع گازی است و با ظرفیت ۳۵ مگاوات در حال تولید برق است.

۵. سد برشنا کوت که در دست تعمیر است، قابلیت تولید ۱۱/۵ مگاوات برق را دارد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۰). البته توربین‌های سه‌گانه سد سلما در هرات نیز بیش از ۳۰ مگاوات برق تولید می‌کند. افغانستان به شدت به برق وارداتی کشورهای آسیای مرکزی و ایران وابسته است. میزان برق تولید شده در داخل فقط حدود ۱۹ درصد نیاز مندی افغانستان را تأمین می‌کند. ۴ درصد از تولید داخلی از طریق نیروگاه حرارتی و انرژی تجدید پذیر و بقیه نیز در نیروگاه‌های آبی تولید می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱/۲۱).

الف) نقاط ضعف اقتصاد افغانستان

۱. سنتی بودن اقتصاد کشور و وابستگی به کشاورزی، کمبود آب، خشکسالی و در نتیجه فقر معیشتی، گرسنگی و بیکاری گسترده و پایین بودن شاخص‌های توسعه انسانی و رفاه نسبی؛

۲. وابستگی مالی و بودجه‌ای دولت به کشورهای خارجی به دلیل تحریم‌های اقتصادی و مسدود شدن دارایی‌های افغانستان توسط آمریکا؛

۳. وابستگی شدید افغانستان به واردات خارجی، فقدان تولیدات صنعتی و ضعف مدیریت در نهادهای اقتصادی؛

۴. موقعیت نامناسب جغرافیایی به دلیل محور در خشکی بودن و دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد؛

۵. وابسته بودن اقتصاد افغانستان به تولید و قاچاق مواد مخدر؛

۶. احتمال گسترش حملات تروریستی داعش و سایر گروه‌های مزدور و تأثیر نامنی‌های فزاینده آن بر فعالیت‌های اقتصادی در سرمایه‌گذاری؛

۷. از بین رفتن زیر بناهای کشور در طول چند دهه جنگ داخلی و عدم سرمایه‌گذاری نیروهای آمریکا و ناتو در اقتصاد افغانستان و زیر بناهای اقتصادی طی بیست سال گذشته؛

۸. تغییر مداوم قوانین تجاری و گمرکی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، فساد اداری و بروکراسی پیچیده، کمبود سرمایه و نیروی کار ماهر و خروج بخشی عمده از نیروهای ماهر پس از فروپاشی دولت اشرف غنی و کمبود خدمات زیربنایی (برق، آب، راه‌های مواصلاتی و مخابرات)، عدم کسب مشروعیت بین‌المللی حکومت دوم طالبان، قرار گرفتن در کانون رقابت‌های منفی بازیگران برهم‌زننده به ویژه آمریکا و متحدانش در منطقه، منع اشتغال زنان و... از نقاط ضعف دیگر اقتصاد افغانستان است.

(ب) نقاط قوت اقتصاد افغانستان

۱. برخورداری از محیط مناسب کشاورزی، برخورداری از منابع آبی فراوان و برخورداری از معادن غنی و ذخایر طبیعی؛

۲. موقعیت ترانزیتی و واقع شدن بین کشورهای مهم منطقه و نقش آن به عنوان حلقه ارتباطی کشورها؛

۳. نیاز هند و پاکستان برای حضور در بازار آسیای مرکزی از طریق افغانستان و بالعکس نیاز آسیای مرکزی به بازارهای جنوب آسیا؛

۴. نیروی کار ارزان و فراوان و علاقه شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش معادن و ذخایر طبیعی (نپفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۷).

عوامل مؤثر بر پیشران‌های اقتصادی افغانستان

۱. خروج آمریکا از افغانستان: خروج آمریکا از افغانستان یکی از پیشران‌های مهم به خصوص برای کشورهای رقیب آمریکا برای توسعه روابط اقتصادی با افغانستان است که متأسفانه به طور مطلوب مورد بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفته است. پس از خروج ایالات متحده از افغانستان و روی کار آمدن طالبان در این کشور، فصل جدیدی از رقابت میان همسایگان برای حضور در بازار حدود ۷ میلیارد دلاری صادرات به افغانستان باز شده است. درست زمانی که فضای روانی جامعه ایران به شدت در هراس از روی کار آمدن طالبان به سر می‌برد و دو قطبی سطح پایین و غیر حرفه‌ای کابل پنجشیر حتی بر قدرت تصمیم‌گیری دستگاه سیاست خارجی ماسایه افکنده بود، مجار و سرمایه‌گذاران ایرانی نیز متأثر از این فضا، در حال خروج شتابان از افغانستان بودند. با این حال کشورهای ترکیه، پاکستان، امارات متحده عربی و بیشتر از همه، چین در حال تشویق سرمایه‌گذاران خود برای حضور در افغانستان بودند. در دوره پس از خروج آمریکا، کشورهای ترکیه، پاکستان و چین با اعطای وام‌های سنگین به صنایع داخلی افغانستان، در حال پیشروی در بازار این کشور هستند. ترکیه حتی برای ساخت فرودگاه در افغانستان، به امارت اسلامی تعهداتی داده است و اکنون بیش از ۱۶۰ شرکت ترکیه‌ای در این کشور فعال هستند. اسلام‌آباد به رغم همه‌ژست‌های اخلاقی‌اش در مقابل تحولات افغانستان، در حوزه توسعه زیرساخت‌های مرتبط با تولید و توزیع نیروی الکتریکی در افغانستان ورود جدی کرده است. امارات متحده



عربی نیز احتمالاً امنیت فرودگاه کابل را به دست خواهد گرفت و فصل جدیدی از حضور در این کشور و صادرات خدمات به افغانستان را رقم خواهد زد. چین نیز با کمک‌های بلاعوض چند میلیون دلاری به زلزله‌زدگان گرفته تا بازگشت به میدان مس عینک و حضور فعال شرکت‌های نفتی و استخراج زغال سنگ، در حال ربودن گوی سبقت از ایرانی است که روزگاری حدود ۳ میلیارد دلار صادرات به افغانستان داشت (رضایی نژاد، ۱۴۰۱).

۲. عوارض پایین گمرک: افغانستان به دلیل بحران چنددهه‌ای و ضعف‌های زیرساختی، یک کشور عمدتاً واردکننده کالا و خدمات است و برای اینکه بتواند بهره‌مندی جمعیت فقیر خود از این کالا و خدمات را تضمین کند، معمولاً عوارض گمرکی بسیاری پایینی را برای صادرکنندگان به این کشور لحاظ می‌کند. این فرصت مهمی برای بजार و بازرگانان ایرانی و همچنین دستگاہ‌ها و مسئولان است که با فراهم کردن بسترهای مناسب، روند تجارت خارجی با افغانستان را توسعه دهند.

«گمرک» یکی از منابع مهم درآمدزایی دولت موقت طالبان در افغانستان است. از مجموع بودجه جاری دو میلیارد و ششصد میلیون دلاری این کشور، ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیون دلار به منابع داخلی به ویژه درآمدهای گمرک بستگی دارد و بقیه با دریافت مالیات و کمک‌های خارجی (از جمله آزادسازی هفتگی ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلاری دارایی‌های افغانستان توسط آمریکا) تأمین می‌شود. گفتنی است حدود ۲۲ واحد گمرکی در افغانستان فعال اند که از این تعداد ۷ واحد گمرک مرزی و ۱۵ واحد گمرک داخلی هستند. گمرک‌های مرزی افغانستان عبارت‌اند از: گمرک «تورخم» و «اسپین بولدک» در مرزهای شرق و جنوب این کشور با پاکستان، گمرک «حیرتان» در شمال با ازبکستان، گمرک «آی خانم» در شمال شرقی

باتاجیکستان، گمرک «اسلام قلعه»، «میلک» و «گمرک ماهی رود» ابونصر فراهی در جنوب غربی با ایران و گمرک «تورغندی» با ترکمنستان. در همین حال گمرک های کابل، هرات، قندهار، پکتیا، نیمروز، فراه، بلخ، اندخوی جوزجان، زابل، کنر، فرودگاه کابل و گمرک اداره پست کابل، خوست و کنر از گمرکات داخلی افغانستان به شماری روند.

۳. نیاز حکومت فعلی افغانستان به گسترش روابط اقتصادی با ایران: با وجود وضعیت بد اقتصادی افغانستان، به علت تحریم های اقتصادی و مهم تر از آن به رسمیت شناخته نشدن حکومت موقت طالبان، کمک های اقتصادی کمی به افغانستان سرازیری شود؛ در حالی که این کشور همواره به کمک های اقتصادی خارجی وابسته بوده است. به رغم منابع غنی معدنی سطحی و زیرزمینی، جنگ و ناامنی مانع سرمایه گذاری لازم در استخراج معادن شده و این عامل به گسترش فقر و بیکاری در افغانستان انجامیده است. در چنین وضعیتی، حسن کاظمی قمی، سرپرست و نماینده ویژه ریاست جمهوری ایران در افغانستان، آمادگی کشور را برای سرمایه گذاری روی معادن افغانستان اعلام کرده است. نیاز حکومت فعلی طالبان به گسترش روابط اقتصادی بسیار محسوس است. به گفته کاظمی قمی «از یک طرف برخی از کشورهای

۱. گمرک میلک بیشتر در زمینه ترانزیت کالاهای خارجی فعال است و در واقع گذرگاهی برای عبور کالاهایی است که از مبداء کشورهای دیگر به مقصد کشور افغانستان حرکت می کنند. پایانه مرزی میلک در محدوده شهرستان هیرمند، نزدیک روستای میلک و در فاصله ۲۶۱ کیلومتری زاهدان، در جوار رودخانه مرزی مشترک پریمان و نزدیک شهر زرنج، مرکز ولایت نیمروز افغانستان، قرار دارد. این گمرک بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی در سال ۸۴ در زمینی به مساحت ۱۲/۵ هکتار، با هدف توسعه حمل مسافر و ترانزیت کالا در جنوب شرق کشور و توسعه مبادلات منطقه ای، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است. افغانستان تا بهار ۱۴۰۰، پنجمین مقصد عمده صادرات کالاهای ایرانی بود. ارزش صادرات ایران به این کشور تا پایان سال ۱۳۹۹ به بیش از سه میلیارد دلار رسید. صادرات واردات به افغانستان به صورت «ترانشیمنت» انجام می شود؛ بدین ترتیب که کامیون های ایرانی بار خود را در مرز تخلیه و کامیون های افغان آن را برای رسیدن به مقصد حمل می کنند. با این حال و در سایه تحولات به وجود آمده در تیر و مرداد ۱۴۰۰ در این کشور، مرزهای ماهی رود در خراسان جنوبی و مرز دوغارون در خراسان رضوی در روز هفدهم تیر ماه بسته شدند، اما مرز میلک در استان سیستان و بلوچستان همچنان به کار خود ادامه می دهد (ایرنا، ۲۲ تیر ۱۴۰۰، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/۸۴۴۰۲۹۴۴>).



همسایه، بهترین بازار مصرف برای کالاهای ایرانی محسوب می‌شوند و از طرف دیگر، تعدادی از این کشورها، دارای اقتصاد مکمل با جمهوری اسلامی ایران هستند. در نگاهی دیگر، گره خوردن منافع ملی ایران با همسایگان مطرح است؛ یعنی مامنافع و تهدیدهای مشترک و ظرفیت‌ها و فرصت‌های بسیار خوبی با کشورهای پیرامونی خود داریم که از جمله آنها وجود مرزهای مشترک است. یکی از این کشورها افغانستان است. هیچ کشوری بهتر از افغانستان در حوزه معادن برای ما وجود ندارد. با توجه به روابط برادری، همسایگی و نزدیکی مسافت، افغانستان برای فعالیت‌های اقتصادی و انتقال دانش و فناوری برای ایران سهل الوصول‌تر و راحت‌تر است. بنابراین می‌توانیم در این حوزه وارد شویم و به سرمایه‌گذاری پردازیم. در این صورت هم این حوزه به توسعه اقتصاد افغانستان کمک می‌کند و هم برای تولید صنعت فولاد جمهوری اسلامی بسیار کارآمد است» (خبرگزاری بازار، ۲۱ دی ۱۴۰۱).

بدون شك عوامل پیش‌ران دیگری در گسترش روابط اقتصادی دو کشور وجود دارد که تیتروار به آنها اشاره می‌شود: «وجود نیروی کار ارزان و ماهر در دو کشور به ویژه افغان‌های مهاجر، بندر چابهار و ترانزیت کالای صادراتی و وارداتی افغانستان از این بندر، فعال بودن بازارچه‌های مرزی و امکان گسترش آن، دسترسی به آسیای مرکزی از بندر چابهار و گذر از خاک افغانستان تا بندر ترمذ در ازبکستان و سایر گمرکات مرزی با تاجیکستان، حمایت روسیه و چین از گسترش روابط اقتصادی ایران با طالبان و...»

موضوعی که مردم افغانستان خود شاهد هستند وجود حدود پنج میلیون مهاجر افغانی در ایران است. بر اساس فرمایشات مقام رهبری، نگاه ما به مردم افغانستان و حمایت از آنهاست. همه این مصادیق، دلیل حمایت‌های جمهوری اسلامی از افغانستان است. بر اساس این راهبرد کلان، همه باید به شکوفایی، ایجاد صلح، ثبات و برقراری امنیت در این کشور کمک کنیم و

علاوه بر این باید گفت و گوهای بین الافغانی را ترغیب و تشویق کنیم. با شکوفایی افغانستان، مهاجران به کشور خود بازمی گردند، تروریسم از بین می رود و همگی منتفع می شوند (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱/۱۰/۲۱).

در حوزه علمی و فرهنگی نیز پیش از حکمرانی طالبان، تعداد دانش آموزان کودک افغانی در ایران ۵۲۰ هزار نفر بودند. در حال حاضر، این رقم به ۶۲۰ هزار دانش آموز افزایش یافته که بر اساس آمار تعداد ثبت نام به ۷۰۰ هزار نفر هم خواهد رسید. حسن کاظمی قمی می گوید: مقام معظم رهبری تأکید داشتند که کودکان افغانی که تحت هر شرایطی وارد کشور شده اند، نباید از علم و تحصیل محروم شوند. این نگاه اسلامی و اخلاقی کشوری است که با اینکه تحت تحریم و فشار است، حاضر نیست کودک کشور همسایه که به اجبار و وطنش را ترک کرده و به ایران آمده است، از حقی که خداوند اعطا کرده، محروم شود.

عوامل مؤثر بر پسران های اقتصادی

واقعیت این است که پسران های مؤثر بر روابط اقتصادی ایران و افغانستان، بیش از پیشران هاست. هر چند در تنظیم روابط اقتصادی ایران و افغانستان در دوره حکومت دوم طالبان، مشکل چندانی وجود ندارد و در صورت اراده طرفین و تفاهم سر موضوعات اقتصادی، می توان مبادلات تجاری و اقتصادی را گسترش داد، اما وجود متغیرهای مانع، موجب عدم توسعه روابط اقتصادی به میزان مطلوب می شود.

تحریم های اقتصادی افغانستان، مسدود شدن دارایی های این کشور (بیش از ۱۰/۵ میلیارد دلار)، عدم به رسمیت شناخته شدن حکومت طالبان و چالش کسب مشروعیت بین المللی و داخلی، احتمال گسترش داعش خراسان و سرایت ناامنی ها به ایران و تبدیل شدن افغانستان به کانون گروه های تروریستی با حمایت بازیگران برهم زننده ای نظیر آمریکا، اختلافات افغانستان با پاکستان بر سر تحریک طالبان

پاکستان (تی‌تی‌پی)، خروج نیروهای ماهر از افغانستان، رقابت پاکستان با ایران بر سر تبادلات اقتصادی با افغانستان از طریق بندر گوادر، چالش مواد مخدر و قاچاق و ترانزیت بین‌المللی آن، مداخله کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تخریب روابط دو کشور از طریق ایجاد منازعات مرزی. آبی، زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی و صنعتی افغانستان، غلبه موضوعات سیاسی و امنیتی بر موضوعات اقتصادی و بازاری، عدم تعهد طالبان به تأمین حقه‌ها مومن از رود هیرمند، حمایت طالبان از گروه‌های تروریستی و اشرار نظیر «جندالشیطان»، نگاه کوتاه‌مدت و بدون برنامه‌ریزی بلندمدت ایران و بازرگانان ایرانی برای گسترش صادرات به افغانستان و وجود مشکلات ترانزیتی، گمرکی، بروکرسی‌های اضافی و نقاط ضعف در حوزه ضمانت و بیمه صادرات و مواردی دیگر، از پسران‌های مؤثر بر روابط اقتصادی ایران و افغانستان هستند.

همچنین کاهش شدید مخارج عمومی، کاهش درآمدها و کاهش صرف‌باعت کاهش تقاضای کل شد. علاوه بر این، اختلال در سیستم پرداخت و محدودیت‌های عرضه و تقاضا، فعالیت‌های بخش خصوصی را با مشکل مواجه کرد و در ابتدا بسیاری از مشاغل مجبور به تعطیلی یا کاهش فعالیت‌های خود شدند. آمارهای اولیه در مورد تولید ناخالص داخلی (GDP) نشان می‌دهد که اقتصاد افغانستان در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۰ درصد کاهش یافت. از سرگیری حمایت‌های بین‌المللی خارج از بودجه برای نیازهای بشر دوستانه و خدمات اساسی، به کاهش برخی آثار منفی کمک کرد. بنابراین اقتصاد افغانستان بسیار کوچک شده است. البته برخی شاخص‌ها در سال ۱۴۰۱ بهبود یافته‌اند: افزایش صادرات، کاهش نوسانات نرخ ارز و افزایش نسبی جمع‌آوری درآمدهای داخلی (جمع‌آوری مالیات و درآمدهای گمرکی). کسب و کارهای خصوصی در حال تطبیق با محیط عملیاتی جدید هستند؛ چنان‌که طبق نظر سنجی اخیر بانک جهانی، بیش از

سه چهارم کسب و کارها در حال حاضر عملیاتی هستند، هرچند بیشتر آنها بسیار کمتر از ظرفیت کاری کنند (<https://www-worldbank-org>).

در حالی که نشانه‌هایی از ثبات اقتصادی و انعطاف‌پذیری تجارت‌های افغانستان وجود دارد، این کشور همچنان با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی عظیمی مواجه است که به شدت بر رفاه مردم این کشور، به ویژه زنان، دختران و اقلیت‌های قومی و مذهبی تأثیری گذارد. حاج محمد ادریس، از اعضای طالبان مدعی است: «شرایط زندگی در چند ماه گذشته بهبود جزئی یافته است، اما محرومیت اقتصادی و میزان بیکاری در سراسر کشور بسیار بالاست و تورم مداوم ممکن است هر گونه دستاوردهای رفاهی را بیش از پیش از بین ببرد، (پایگاه خبری آفتاب، ۱۸ شهریور ۱۴۰۱).

باید افزود شوک اقتصادی که پس از سقوط جمهوریت در افغانستان رخ داد، سنگین‌تر از آن بود که مردم و دولت طالبان بتوانند با آن مقابله کنند. انتقال سیاسی، قطع ناگهانی کمک‌ها و وضع تحریم‌ها، توانایی نهادهای مالی و پولی افغانستان را برای مداخله و حمایت از اقتصاد این کشور محدود کرد. برخی نشانه‌های اولیه حکایت از آن دارد که با بهبود کمک‌های بشردوستانه و بودجه دولت و به تبع آن کند شدن روند نزول اقتصادی، بدترین بخش یعنی سقوط اقتصادی احتمالاً روبه پایان است. وضعیت اشتغال و فعالیت در بخش خصوصی، بهبود اندکی را در مقایسه با شرایط سخت سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد. سه سناریو در رابطه با اقتصاد افغانستان وجود دارد؛ از بهترین حالت که ترمیم سریع و گسترده اقتصاد است تا بدترین حالت که رکود یا سقوط اقتصادی بیشتر است (مؤسسه مطالعات راهبردی شرق، ۸ بهمن ۱۴۰۱).

یکی از عوامل بازدارنده گسترش سطح روابط اقتصادی ایران و افغانستان، مسئله تروریسم و مشخصاً گسترش داعش خراسان یا سایر گروه‌های تروریستی نظیر جندالله است. اگر ناامنی‌ها در افغانستان



تداوم داشته باشد یاب به مرزهای ایران سرایت کند، عملاً امکان سرمایه‌گذاری یا انتقال تکنولوژی در حوزه اقتصادی بسیار دشوار خواهد شد. یکی دیگر از عوامل بازدارنده افزایش کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان است. محمد مسعود زاهدیان، معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر، مدعی است: «یکی از موضوعاتی که دولت جمهوری اسلامی از زمان استقرار دولت طالبان از طریق مبادی تعریف شده پیگیری کرد، موضوع مبارزه با مواد مخدر و جلوگیری از انتقال این مواد به مرزهای جمهوری اسلامی ایران بوده است. تلاش ما این است که بتوانیم الزامی ایجاد کنیم که هم در کنترل و محو کشت مواد مخدر و جلوگیری از ورود مواد مخدر به مرزهای کشور از افغانستان نقش ایفا کنیم و هم با کشت جایگزین و نیز توسعه روابط اقتصادی و رونق بازارچه‌های مرزی، عملاً مانع افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر شویم». به گفته زاهدیان، تاکنون مذاکراتی با طرف افغانستانی انجام شده و مذاکراتی نیز در جریان است که امیدواریم نتایج آن موفقیت‌آمیز باشد^۱ (ایرنا، ۱۴۰۱/۱۱/۳۰).

نتیجه‌گیری

واقعیت این است که اقتصاد افغانستان بسیار ضعیف، شکننده و وابسته به کمک‌های خارجی است. عوامل پسران و بازدارنده، بیش از عوامل پیشران در روابط اقتصادی دو کشور تأثیرگذارند. تحریم‌های اقتصادی

۱. زاهدیان با انتقاد از عملکرد سازمان‌های جهانی در حوزه مواد مخدر گفت: «عملکرد ۲۰ ساله کشورهای غربی در افغانستان جز افزایش تولید نتیجه‌ای نداشت و این کشورها باید نسبت به عملکرد خود مسئولیت‌پذیر باشند». زاهدیان با اشاره به سرازیری سودهای سرشار از قاچاق مواد مخدر به کشورهای اروپایی، افزود: «مواد مخدر در افغانستان تولید می‌شود و با ارزش افزوده بالا به کشورهای اروپایی انتقال می‌یابد. در اینجا باید پرسید درآمد فروش این مواد در اروپا به کجا می‌رود و چرخه این پول کجاست؟ آنجا که صحبت از اقتصاد مواد مخدر و چرخش مالی آن است هیچ عکس‌العملی را از سوی مدعیان شاهد نیستیم، اما وقتی نوبت ما می‌شود، موضوع اف.ای.بی.اف و مسائل مالی به دقت باید رسیدگی شود» (ایرنا، ۱۴۰۱/۱۱/۳۰).

افغانستان، مسدود شدن دارایی‌های این کشور، به رسمیت شناخته نشدن حکومت طالبان و چالش کسب مشروعیت بین‌المللی، احتمال گسترش داعش خراسان و سرایت ناامنی‌ها به ایران و تبدیل افغانستان به کانون گروه‌های تروریستی با حمایت بازیگران برهم‌زننده‌ای نظیر آمریکا، اختلافات افغانستان با پاکستان بر سر تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی)، خروج نیروهای ماهر از افغانستان، رقابت پاکستان با ایران بر سر تبادلات اقتصادی با افغانستان از طریق بندر گوادر، چالش مواد مخدر و قاچاق و ترانزیت بین‌المللی آن، غلبه موضوعات سیاسی و امنیتی بر موضوعات اقتصادی و بازاری، عدم تعهد طالبان به تأمین حق‌به‌هامون از رود هیرمند و چندین پسران دیگر عملاً چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان را دچار ابهام می‌کند. اما واقعیت این است که خروج نیروهای خارجی و نیاز گسترده طالبان به سرمایه‌گذاری به‌ویژه در حوزه معادن و تولیدات صنعتی، فعال شدن بازارچه‌های مرزی و... می‌تواند افق روابط اقتصادی دو کشور را روشن سازد.

تولید ناخالص داخلی افغانستان در زمان حضور نیروهای خارجی (در سال ۱۳۹۹) حدود ۱۹/۸ میلیارد دلار بود، در حالی که تجارت خارجی آن به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار می‌رسید.

ایران طی سال‌ها، روابط تجاری خود را با افغانستان توسعه داد و به یکی از صادرکنندگان بزرگ به این کشور تبدیل شد؛ به گونه‌ای که افغانستان سومین مقصد صادرات ایران (بیش از ۳ میلیارد دلار) در چند سال اخیر بود. بابه قدرت رسیدن مجدد طالبان، حجم صادرات ایران به افغانستان کاهش ۴۰ درصدی داشت. دلیل این مسئله کاهش قدرت خرید افغانستان، افزایش قیمت کالا و خدمات در ایران و قطع کمک‌های اقتصادی به افغانستان و حتی برخی ملاحظات سیاسی مقامات طالبان بوده است.



به رسمیت شناخته نشدن طالبان در سطح بین‌المللی بر اقتصاد افغانستان تأثیر گذاشته است. اگر مقامات حکومت دوم طالبان به تعهدات خود پایبند باشند و تعامل جامعه بین‌المللی با طالبان افزایش و کمک‌های خارجی تداوم یابد، اوضاع اقتصادی افغانستان بهبود خواهد یافت. این مسئله بر روابط اقتصادی با ایران نیز تأثیر خواهد گذاشت. افزایش درآمدهای گمرکی و مالیاتی در کنار جلب کمک‌های خارجی موجب افزایش بودجه دولت خواهد شد و با احیای کسب و کارهای کوچک و متوسط، حجم تجارت و صادرات مواد معدنی توسعه می‌یابد. اما به میزانی که طالبان بر مواضع خود در خصوص برخی موضوعات اساسی نظیر تشکیل دولت فراگیر، مذاکرات بین‌افغانی، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، حقوق زنان به‌ویژه در امر تحصیل و اشتغال و... تأکید ورزد و نتواند با مجامع جهانی و کشورهای مهم تعامل کند، اقتصاد افغانستان در وضعیت نامطلوب باقی خواهد ماند؛ به‌ویژه که اقتصاد ضعیف و شکننده این کشور به کمک‌های خارجی، مسئله مواد مخدر، پولشویی از طریق مافیای مواد مخدر و تروریسم وابستگی دارد (فاطمی نژاد، ۱۴۰۱: ۲).

با توجه به مطالب فوق، پیشنهاد می‌شود:

از آنجا که ارتباط اقتصاد افغانستان با حوزه بین‌الملل محدود است و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز تحت شدیدترین تحریم‌های آمریکا و غرب قرار دارد، پیشنهاد می‌شود در ازای صادرات کالا و خدمات به خصوص در بخش انرژی، مبادلات اقتصادی به صورت تهاوتر باشد. برای مثال ایران می‌تواند به افغانستان سوخت و برق بفروشد و منابع غنی معدنی از این کشور وارد کند.

با عنایت به گفته‌های عبداللطیف نظری، معاون اقتصادی وزارت اقتصاد افغانستان، که در آئینده‌ای نزدیک بازارچه‌های مرزی مجدداً بازگشایی خواهد شد، لازم است مقامات ایرانی به خصوص مسئولان وزارت اقتصاد و معاون اقتصادی وزارت خارجه در این زمینه پویاتر

عمل کنند و ضمن مذاکره با مقامات طالبان، از آنها بخواهند تاریخی برای این وعده تعیین کنند تا در گام بعد، روند بازگشایی بازارچه‌ها اجرایی شود.

- سرمایه‌گذاری در معادن افغانستان یکی از راهکارهای موجود برای تقویت روابط اقتصادی تهران-کابل است. دولت امارت اسلامی در این حوزه قراردادهایی را با چند کشور از جمله ایران منعقد کرده است. از آنجا که ایران سرزمینی با معادن غنی است و در زمینه استخراج سنگ آهن، مس و کالای قیمتی تجربه زیادی دارد، در صورت حضور در افغانستان می‌توان به نحو احسن از این ارتباط اقتصادی، به نفع دو طرف استفاده کند. به علاوه، مسئولان اقتصادی باید بتوانند معادنی مانند سنگ‌های قیمتی را به صورت مواد خام وارد کشور کنند و ضمن تبدیل آنها به کالاهایی ارزشمند و مصرفی، این کالاها را صادر و به ارزی آوری اقتصاد کشور کمک کنند.

- سرمایه‌گذاری روی راه‌های ترانزیتی و مواصلاتی از زمینه‌های دیگر گسترش همکاری ایران و افغانستان است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران با مشکل کمبود بودجه و سرمایه در این زمینه مواجه است، می‌تواند از سرمایه‌های خارجی برای گسترش این مسیرها بهره‌بردار تا صادرات و واردات کالا از ایران به افغانستان و بالعکس با سهولت بیشتری انجام شود. به علاوه، افغانستان به عنوان یک مسیر ترانزیتی میان ایران و چین قابلیت‌های مهمی دارد. به دلیل اینکه شریک اصلی و اول اقتصادی ایران، چین است، بهبود راه‌های مواصلاتی و ترانزیتی میان ایران و افغانستان موجب تقویت روابط اقتصادی با کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا به خصوص چین می‌شود.

- با توجه به اینکه زیرساخت راه‌های ارتباطی در افغانستان وضع مطلوبی ندارد، دولت ایران می‌تواند شرکت‌های خصوصی را به سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های سودآور ساخت جاده و راه در



افغانستان تشویق کند و تسهیلاتی برای آنان در نظر بگیرد. شرکت‌های ایرانی در صورت سرمایه‌گذاری در افغانستان، می‌توانند با آسودگی خاطر بیشتری در این کشور فعالیت کنند و در زمینه دریافت پول مشکلات مشابه کشورهای دیگر را نداشته باشند.

به هر میزان که وضعیت اقتصادی افغانستان روبه‌وخامت رود و بحرانی شود، بر سیل مهاجرین افغانستانی به کشورهای دیگر به ویژه ایران افزوده می‌شود. علاوه بر این، وخامت اوضاع اقتصاد زمینه‌ساز جذب در گروه‌های تروریستی می‌شود. حتی ممکن است افرادی که تمایلی به تروریسم ندارند، به علت فقر و گرسنگی، وارد چنین فضایی شوند. زمانی که درآمدها بار و نند کاهشی و نزولی مواجه شود، طبیعتاً در افغانستان که یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولید مواد مخدر است، باید انتظار افزایش تولید این مواد را داشت. علاوه بر این، فقر اقتصادی خود عامل فشاری از جانب آمریکا برای تحمیل اراده‌های نامشروع خود است.

جمهوری اسلامی ایران با وجود برخی مشکلات اقتصادی و تحریم‌های تحمیل شده، از نگاه انسان دوستانه، اخلاقی و اسلامی و نیز از منظر منافع و مصالح ملی، تلاش می‌کند همکاری با افغانستان را در دستور کار قرار دهد و ضمن تأکید بر گسترش روابط اقتصادی و تجاری، در برخی حوزه‌ها که افغانستان ظرفیت فراوانی دارد، به ویژه در سه حوزه مهم «همکاری در استخراج منابع معدنی»، «تبادل کالاها و فرآورده‌های کشاورزی - صنعتی» و «ظرفیت ترانزیتی»، همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری خود را افزایش دهد.



منابع و مآخذ

▪ خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۱۰/۲۱)، «کاظمی قمی: افغانستان می تواند مکمل اقتصاد ایران باشد»، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۲۸۳۵۴۴۷/۲۱/۱۹/۱۴۰۱>

▪ خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۱/۲۱)، قابل دسترس در:

<https://www.farsnews.ir/af/news/۱۴۰۱۰۱۲۱۰۰۰۳۴۰>

▪ رضایی نژاد، امین (۱۴۰۱)، «چشم انداز روابط اقتصادی ایران و افغانستان»، روزنامه دنیای اقتصادی، ش ۵۵، ۱۸ مرداد.

▪ عرب پور، امیر حسین (۱۴۰۰)، «نگاهی به فرصت های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان»، اندیشه سکن دیپلماسی اقتصادی، لینک

دسترسی: <https://iranthinktanks.com/product/report-on-a-look-at-the-opportunities-for-economic-diplomacy-between-iran-and-afghanistan>

▪ ایرنا (۲۲ تیر ۱۴۰۰)، «آخرین وضعیت تبادل کالا از سه گمرک ایران با افغانستان»، قابل

دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/۸۸۴۰۲۹۴۴>

▪ ایرنا (۱۴۰۱/۱۱/۳۰)، «مذاکره ایران با طالبان در زمینه جلوگیری از قاچاق و تولید مواد مخدر

ادامه دارد»، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/۸۵۰۲۳۷۲۶>

▪ باقری، اسماعیل (۱۳۹۳)، «آشنایی با کشورهای اسلامی؛ افغانستان، انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

▪ باقری، اسماعیل (۱۴۰۱)، «بررسی روابط اقتصادی ایران و دولت موقت طالبان»، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ش ۵۱، ۱۰ آذر.

▪ پایگاه خبری آفتاب، ۱۸ شهریور ۱۴۰۱، قابل دسترس

در: <https://aftabnews.ir/fa/news/۷۲۵۹۰۳>

▪ خبرگزاری بازار (۲۱ دی ۱۴۰۱)، «افغانستان می تواند مکمل اقتصاد ایران باشد»، قابل دسترس

در: <https://www.tahlilbazaar.com/news/۱۹۸۸۹۸>

▪ خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۱۲/۱)، قابل دسترس در:

<https://www.farsnews.ir/af/news/۱۴۰۱۱۲۱۰۰۰۶۷۷>

▪ خبرگزاری فارس (۱۴۰۱/۱۰/۲۲)، «افزایش صادرات افغانستان در ۹ ماه سال ۱۴۰۱»، قابل دسترس در:

<https://www.farsnews.ir/af/news/۱۴۰۱۱۰۲۲۰۰۰۵۲۱>

▪ فاطمی نژاد، سید احمد (۱۴۰۱)، «راهکارهای توسعه مناسبات اقتصادی افغانستان در وضعیت

عدم‌شناسایی»، هفته‌نامه مطالعات شرق، س ۱۰، ش ۴۳۹، ۱۵ بهمن
▪ نجفی، محمد علی و دیگران (۱۳۸۹)، چشم‌انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان،
نشر مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول بهار.

- <https://is.gd/QpMpYI>
- <https://www-worldbank-org.translate.google>

